

اسرائیل در قره‌باغ، بیخ گوش ایران

بعید است باکو و آنکارا در سایه انجام رزمایش‌ها و مانورهای نظامی مشترک دو یا چندجانبه تهدیدی برای ایران ایجاد کنند. چرا که اساساً ایران یکی از قدرت‌های بلامنازع منطقه است. ترکیه و جمهوری آذربایجان هم به خوبی می‌دانند، تهران در قبال امنیت خود با هیچ کشوری تعارف ندارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، محسن پاک‌آیین سفیر سابق ایران در آذربایجان نوشت: دو کشور اکنون روابط حسنه و مثبت قابل‌توجهی در ابعاد مختلف اقتصادی، تجاری، دیپلماتیک، فرهنگی و... با ایران دارند و همواره هم از حمایت تهران برخوردار بوده‌اند. اینکه با امنیتی شدن یا امنیتی کردن منطقه تهدیدی علیه ایران شکل بگیرد تحلیل غلطی است، چرا که باید ریشه امنیتی شدن منطقه به‌خصوص بعد از جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ را در جای دیگری جست‌وجو کرد.

دلیل این میزان از برگزاری رزمایش‌های مشترک ترکیه و آذربایجان با حضور دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ناشی از ناقص بودن توافق مسکو است. به هر حال بعد از جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ در سال گذشته شاهد توافق صلحی در مسکو بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بودیم که بر اساس آن هفت شهر از شهرهای اشغال شده جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان آزاد شد، اما مساله مهمی که لاینحل مانده است بحث تعیین‌تکلیف خود منطقه قره‌باغ است و اینکه آیا حاکمیت و قیمومیت منطقه مذکور به جمهوری آذربایجان بازمی‌گردد و یا باید مدل و شیوه دیگری برای اداره این منطقه پیش‌بینی کرد؟ این مساله کماکان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. لذا این ابهام در توافق مسکو سبب شده است که همچنان ریشه اختلافات بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان به قوت خود باقی بماند.

با این اوصاف تازمانی که این ابهامات در توافق مسکو وجود داشته باشد و دو طرف یعنی ارمنستان به آذربایجان به توافق دیگری درخصوص شیوه و نوع اداره منطقه قره‌باغ دست پیدا نکنند قطعاً منطقه کماکان در وضعیت نظامی و امنیتی به‌سر خواهد برد. جمهوری آذربایجان و ترکیه در رزمایش‌ها و مانورهای نظامی مشترک یا دو یا چندجانبه باید از ایران هم به عنوان همسایه مهم و کلیدی خود و مهمتر از همه یکی از قدرت‌های بلامنازع منطقه دعوت می‌کردند، کاملاً درست است. به واقع شایسته بود آنکارا و باکو این دعوت را از ایران به عمل می‌آوردند.

اما در عین حال عدم دعوت از ایران و غیبت ما در این رزمایش‌ها به معنای آن نیست که در سایه برگزاری پی‌درپی و مداوم مانورهای نظامی بین آذربایجان و ترکیه قرار است تهدیدی برای ایران شکل بگیرد. عدم دعوت از ایران در این رزمایش‌ها یک مساله است و هدف و دلایل برگزاری این رزمایش‌ها مساله‌ای کاملاً جداست. پس این دو گزاره مطرح شده عملاً ارتباطی با هم ندارند. واقعیت آن است که مناسبات جمهوری آذربایجان و اسرائیل تنها محدود به جنگ قره‌باغ نیست، بلکه در طول سال‌های گذشته روابط جدی بین تل‌آویو و باکو وجود داشته است.

از مسیر همین روابط با جمهوری آذربایجان، صهیونیست‌ها سعی می‌کنند از تحولات جنگ قره‌باغ و تداوم و تشدید تنش بین باکو و ایروان در جهت منافع خود استفاده کنند. یعنی تل‌آویو در تلاش است که همواره در روابط ایران و جمهوری آذربایجان اختلال ایجاد کند. اما با این حال مواضع باکو تهدیدی علیه تهران نیست. یعنی به‌رغم سیاست‌های مخرب و منفی رژیم غاصب صهیونیستی برای ایجاد اختلال در روابط تهران و باکو من تهدیدی از سوی جمهوری آذربایجان برای ایران متصور نیستیم.

این شرایط بیشتر ناشی از تداوم و تشدید اختلافات بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در قره‌باغ است. با توجه به روابط دوستانه جمهوری آذربایجان و ایران و سطح مناسبات حسنه دو کشور شایسته نیست که تهران به سمت اتخاذ اقدامات تلافی‌جویانه گام در مسیر نخجوان-بیله سوار در مغان گام بردارد؛ نه اینکه توان آن وجود ندارد، بلکه میل و رغبتی برای این مهم از جانب تهران احساس نمی‌شود.

چرا که جنگ کامیون‌ها، جنگ ترانزیتی و جنگ عوارض به نفع هیچ کدام از دو طرف نیست و از نظر اقتصادی و تجاری، هم به ایران، هم به آذربایجان و به دیگر کشورهای پیرامون آسیب می‌زند. همان‌گونه که ایران به راحتی اجازه تردد و ترانزیت کالا و کامیون‌های آذربایجان در مسیر نخجوان را می‌دهد بنابراین جا دارد که باکو هم احترام لازم را برای رانندگان ایرانی در مسیر گوروس - قاپان داشته باشد و مشکلاتی برای آنها ایجاد نکند. در عین حال هر چه سریع‌تر رانندگان دستگیر شده ایرانی را آزاد کند و اقدامی برای دستگیری مجدد نداشته باشد.

برای حل و فصل نهایی این چالش باید کشورهای درگیر تلاش‌های دیپلماتیک جدی و مداومی برای روشن کردن ابهامات توافق مسکو به‌خصوص بند نهم آن داشته باشند و در کنار آن باید مساله حق حاکمیت قره‌باغ هم هرچه زودتر تعیین‌تکلیف شود. چون ریشه تمام این اختلافات به مساله عدم تعیین‌تکلیف حاکمیت قره‌باغ بازمی‌گردد. تا زمانی که ابهامات توافق مسکو رفع نشود و از همه مهمتر اصل حاکمیت قره‌باغ تعیین‌تکلیف نشود کماکان شاهد بروز مسائل امنیتی و چالش‌های مرزی خواهیم بود، چرا که این اتفاقات تبعات مخرب و منفی ابهام در توافق مسکو است.

اگر اصلاحات لازم در توافق مسکو صورت نگیرد و ابهامات آن رفع نشود در آینده شاهد بروز اختلافات جدی‌تر خواهیم بود که می‌تواند به‌عنوان آتش زیرخاکستر در شکل‌گیری جنگ جدید بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان عمل کند. ترکیه هم نقش قابل توجهی در تحریک آذربایجان علیه ارمنستان

دارد. چون شدت اختلافات ترکیه با ارمنستان به مراتب شدیدتر از درگیری‌های آذربایجان با ارمنستان است و در عین حال هم قدمتی بالاتر و تاریخی طولانی‌تر از بحران روابط باکو - ایروان دارد.

بنابراین ترکیه در کنار رزمایش‌های مشترک دو یا چندجانبه با جمهوری آذربایجان احتمالاً سعی دارد از نظر اقتصادی، تجاری و ترانزیتی هم فشارهایی به ارمنستان وارد کند.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: آرمان ملی